

نظری، مریم. ۱۳۹۲. گسست دانشی در پژوهش‌های مولد چگونه رصد می‌شود؟ پیشنهادِ ترسیمِ دو نقشه: نقشه دانش و نقشه پژوهش. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی. ۴۷(۱): ۲۷-۴۸.

گسست دانشی در پژوهش‌های مولد چگونه رصد می‌شود؟

- پیشنهادِ ترسیمِ دو نقشه: نقشه دانش و نقشه پژوهش

دکتر مریم نظری

استادیار دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران، maryamnazari@ut.ac.ir

چکیده

هدف: این مقاله آموزه‌هایی برای مطالعه تحلیلی و منتقدانه مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه می‌دهد. هدف آن ایجاد یا تقویت توانایی «خوب پرسیدن» و «خلاقانه اندیشیدن» در مرحله طراحی پژوهش و ایجاد حس «تعالی» و «خلاقیت» را از طریق پژوهش در پژوهشگران است.

روش: این مقاله با چشم اندازی ترویجی نگاشته شده و برای ارائه آموزه‌های مندرج در آن از مثالهایی در حوزه پژوهش سواد اطلاعاتی استفاده شده است. این آموزه‌ها برگرفته از یافته‌های بدست آمده از یک مطالعه اکتشافی طولی هستند که نگارنده از بهار ۱۳۸۴ آغاز نموده است.

یافته‌ها: برای رصد گسست دانشی، ترسیم دو نقشه - دانش و پژوهش - پیشنهاد می‌شود. «نقشه دانش» شمایی تحلیلی از ابعاد مختلف موضوع پژوهش ارائه می‌دهد. این امکان تحلیل موضوعی و روش شناختی پژوهش‌های پیشین و ساخت «نقشه پژوهش» را فراهم می‌آورد. از طریق نگاشت یا اورلی کردن (overlay) این دو نقشه گسست دانشی رصد و تبیین می‌شود.

کاربردها: این آموزه‌ها می‌توانند برای طراحی و آموزش طراحی پژوهش‌های مولد و تاثیرگذار در بافت پژوهش کشور مورداستفاده قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: پژوهش مولد و ماندگار، پژوهش و توسعه، گسست دانشی، بیان مسئله، نقشه دانش،

نقشه پژوهش

۱. مقدمه

براساس تعاریف پژوهش، «خوب که چی؟» پژوهش یا هدف غایی پژوهش عبارت است از «بسط دانش»، «ارائه راه حل برای مسائل واقعی»، و کمک به «توسعه» (Loseke, 2013; Wikipedia, 2013). براین اساس پژوهش مولد «پژوهشی است که در حوزه ای مشخص دانش، دیدگاه یا راهکاری نو و کاربردی تولید می کند که بتواند در نهایت به توسعه یا ارتقای سلامت، رفاه و یا شادی بیانجامد» (نظری، ۱۳۹۱). یکی از اولین شرایط لازم برای تولید پژوهش مولد این است که پژوهشگر بتواند اثبات کند که به پژوهش وی نیاز است و حدود و دامنه این نیاز را مشخص کند. به عبارتی مشخص کند که در صورت به ثمر رسیدن پژوهش اش چه مسئله ای حل می شود، چه دانش، دیدگاه یا راهکار جدیدی تولید می شود و بالاخره چگونه پژوهش وی به توسعه (یا رفاه، شادی و یا سلامتی جامعه) خدمت می کند. بدین منظور وی باید بتواند مسئله ای را که بناست پژوهش کند، مشخص نماید و به عبارتی دقیق تر گسست دانشی که بناست با پژوهش وی پر شود را به گونه ای علمی رصد کند.

درباره اینکه چه زمانی پژوهشی می تواند ادعا کند که دانش نو تولید کرده است یا حرفی نو برای گفتن دارد، آموزه های ارزشمند بسیاری تحت عنوان *originality* یا *novelty* ارائه شده اند (Educational Development@Liverpool, 2013; Cryer, 2006; Blaxter et. al., 2001) که با عنوان «اصالت» یا «تازگی» در پژوهش ترجمه شده اند (منصوریان، ۱۳۹۱؛ منصوریان، ۱۳۹۰). براساس این آموزه ها تازگی در پژوهش ثمره خلاقانه اندیشیدن درباره ابعاد مختلف پژوهش مانند موضوع، روش، داده، دستاوردها، و کاربردهای گوناگون آن است. به عنوان مثال منصوریان (۱۳۹۱) ابعاد زیر را برای مزه زنی تازگی در پژوهش ارائه می دهند (منصوریان، ۱۳۹۱):

▪ موضوعی: پرداختن به موضوعی نو یا بعد جدیدی از موضوعی قدیمی.

- **روش شناختی:** استفاده از رویکرد، روش یا ابزاری نو برای پژوهش موضوعی که قبلاً مورد پژوهش قرار گرفته است، لیکن با رویکردها، روشها یا ابزارهای متفاوت.
- **جامعه پژوهش:** پژوهش درباره موضوعی قدیمی روی جامعه ای جدید.
- **داده:** تولید داده های متنوع تر و باکیفیت تر درباره موضوعی قدیمی.
- **مکان:** انجام پژوهش در بافت مکانی متفاوت با پژوهشهای پیشین.
- **زمان:** انجام پژوهش روی موضوعی در دوره زمانی متفاوت.
- **دستاورد:** ارائه تفسیر یا استفاده ای نو از نتایج پژوهشهای انجام شده یا مشابه موضوع مورد مطالعه.
- **محصولات جانبی تحقیق:** ارائه پرسشهای نو و مولد به عنوان محصول پژوهش انجام شده.
- **تلفیق داده ها و ایده ها:** آزمون ایده های قدیمی با داده های جدید یا ارائه نگاهی نو به ایده های قدیمی.
- **ترویجی:** ایجاد امکان بهره برداری از دانش تخصصی با تبدیل و ارائه آن به زبانی ساده و قابل فهم.

علیرغم اینکه اغلب پژوهشهای دانشگاهی به لحاظ تازگی و اصالت دست کم با استناد به یکی از ابعاد ده گانه فوق قابل دفاع هستند، لیکن در نهایت اندک اند پژوهشهایی - به ویژه در حوزه های علوم انسانی - که مولد باشند یعنی دانش جدیدی تولید کنند یا مسئله ای را حل کنند که به توسعه کشور خدمت کند. بسیاری از پژوهشها نه تنها توسعه را سوخت رسانی نمی کنند، بلکه سوخت توسعه را هم هدر می دهند. یکی از دلایل این نابرابری در پژوهش - که موضوع بحث بسیاری از نوشته ها و هم اندیشی هاست (حری، ۱۳۹۱؛ خنیفر، ۱۳۸۲؛ زیباکلام، ۱۳۸۷؛ دیانی، ۱۳۸۷؛ فدایی، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷؛ منصوریان، ۱۳۹۱؛ منصوریان، ۱۳۸۹؛ مصدق، ۱۳۹۲) - ضعف در آموزه های عملی پژوهش و پژوهشگری در بافت بومی پژوهش و پژوهشگری کشور است. اغلب این آموزه ها ترجمه ای از آموزه های غیربومی هستند که به گپ دانش روش شناختی موجود در پژوهشگران - که همانا «خوب پرسیدن» و «ژرف اندیشیدن» است -

کمتر پاسخ می دهند. بیشتر به نظر می رسد که این آموزه ها رفتار «رفع تکلیفی» و توجیه سطحی پژوهش‌ف و به عبارتی دقیق تر رفتار «مسئله بافی» و نه «مسئله یابی» را در پژوهشگران حمایت می کنند (خسروی، ۱۳۹۰؛ دیانی، ۱۳۸۷؛ منصوریان ۱۳۸۹؛ نظری ۱۳۹۱، الف) ۱۳۹۱؛ بدیعی، ۱۳۹۲).

با وجود اینکه در سالهای اخیر حرکت‌های ارزشمندی برای انتقال عملی تر این آموزه ها صورت گرفته است (طلایی، ۱۳۹۰، منصوریان ۱۳۸۸، الف) ۱۳۸۹، (ب) ۱۳۸۹، ۱۳۹۱؛ لطف‌آبادی، ۱۳۹۲) و آموزه هایی نسبتا ساده تر هم در حوزه پژوهش (مانند محمدی، ۱۳۸۷؛ بلیکی، ۱۳۹۱) ارائه شده اند، همچنان موضوع چگونگی رصد مسئله یا گسست دانشی در پژوهش از حوزه های محروم مانده است؛ در این زمینه آموزه های عملی بومی بسیار کمی درباره چگونه خواندن، اندیشیدن، تحلیل کردن و نوشتن در دسترس پژوهشگران وجود دارد. از این رو، در عمل بیشتر پژوهشگران از این منابع به مثابه آموزه هایی برای انجام «رفع تکلیفی» پژوهش استفاده می کنند تا تولید پژوهشهای مولد.

به دلیل وارداتی بودن تقریبا تمام موضوعهای موردپژوهش پژوهشهای دانشگاهی، پژوهشگر به راحتی می تواند نوبی کار خود را اثبات کند. در صورت کمتر نو بودن موضوع موردنظر، معمولا با انتخاب جامعه، زمان یا مکانی متفاوت - به عنوان بافت پژوهش خود - این نوبی را به راحتی اثبات می کند و اغلب با کپی برداری از راه رفته پژوهشگران قبلی - که اغلب آنها هم از الگوی مشابه آنچه بیان شد پیروی کرده اند - با تغییراتی جزئی به قولی پژوهشی نو و قابل دفاع عرضه می کند. نتیجه آنکه دانشگاهها، انبوهی از پژوهشهای دفاع شده بی مشتری دارند. از منظری عملی، پژوهشهایی تولید می شود که نه دردی واقعی را درمان می کنند، و نه دیدگاه، دانش یا راهکاری نو تولید می کنند. به لحاظ نظری، اغلب این پژوهشها چیزی به دانش چپستی، چرایی یا چگونگی موضوع یا پدیده مورد مطالعه نمی افزایند. به جای آن دانش موجود درباره پدیده های غیربومی را در بافت بومی آزمون (اغلب بازتایید، و در موارد نادر

رد) می کنند. به عنوان مثال اثبات می کنند که سواد اطلاعاتی همان مفهومی را در بافت آموزش عالی ایران دارد که در بافت آموزش عالی آمریکا دارد (دانش چیستی)؛ سواد اطلاعاتی به همان دلیل در آموزش عالی مورد نیاز است که در آموزش عالی آمریکا مورد نیاز است (دانش چرایی)، سواد اطلاعاتی در آموزش عالی ایران می تواند با همان استانداردهایی آموزش داده شود که در آموزش عالی آموزش داده می شود (دانش چگونگی). و حال آنکه بر هر دانشگاهی آگاهی مبرهن است که به دلیل تفاوت‌های بافتی چشمگیر در نظام آموزش عالی ایران و آمریکا اعتبار چنین نتیجه گیری ای قابل تردید و - بسته به طراحی پژوهشها در بیشتر موارد - فاقد اعتبار است.

از دیدگاهی معنوی، به دلیل ضعف در آموزه های بومی به جای اینکه پژوهش، تجربه «تعالی» و «بودن» را در پژوهشگر ایجاد کند، وی را با تجربه رنج ناشی از حس بی فایده بودن مانوس می کند. در یک سناریوی مثبت که پژوهشگر به پژوهش علاقه مند است - و در حالت بهتر که روی موضوع مورد علاقه اش کار می کند - وی با هیجان وارد سفر ماجراجویانه پژوهش می شود و مشتاق کشف، یادگیری و ارائه کاری نو می شود، ولی هر بار به دلیل نداشتن توشه ای مناسب در این سفر سرخورده و مایوس می شود، و در نهایت که با محدودیت زمان مواجه می شود به ارائه پژوهشی رفع تکلیفی و قابل دفاع بسنده می کند. به این ترتیب پژوهش که بناست - ذاتا - فرایندی ماجراجویانه و سرشار از «آهان» و کشفیات نو باشد، تبدیل به فعالیتی رنج آور می شود که فقط پژوهشگر آرزوی خلاصی از آن را دارد. بخشی از رنج مربوط به ندانستن است و بخشی دیگر مربوط به حس بی فایده بودن که هر دو به دلیل انجام دادن سطحی فعالیتها تجربه می شوند. پژوهشی که پژوهشگر احتمالا باور دارد که می توانست قوی تر و جذاب تر از آنی که هست باشد، اما نمی داند چگونه می تواند - یا می توانست - آن را قوی تر انجام دهد!

مطالعه حاضر با هدف ارائه آموزه‌هایی عملی برای تشویق و ترویج «خلاقانه اندیشیدن» و «خوب پرسیدن» در مرحله رصد گسست دانشی یا طراحی بخش «بیان مسئله» پژوهش - با چشم اندازی مولد و نه «رفع تکلیفی» - نگاشته شده است. با این امید که پژوهشگر بتواند از رهگذر پژوهش، «تعالی» و «بودن» را هم تجربه کند. یعنی بتواند بهترین‌های خود را عرضه کند و با حل مسئله یا ارائه حرف یا نگاهی نو حس خوب «مفید بودن» را در خود ایجاد کند.

آموزه‌های ارائه شده در این مقاله برگرفته از بخشی از یافته‌های یک پژوهش اکتشافی طولی هستند که نگارنده از بهار ۱۳۸۴ در حوزه چستی و چگونگی طراحی، اجرا و ارائه پژوهش مولد - با تمرکز ویژه بر علوم انسانی و اجتماعی - آغاز نموده است. این یافته‌ها حاصل تحلیل کیفی دریافتهای بدست آمده از منابع مختلفی هستند که عمده آنها عبارت‌اند از: الف) تحلیل ساختار، محتوا و سبک ارائه پژوهش‌های مختلف، ب) بررسی رفتار پژوهش و نگارش پژوهشگران، پ) خودانعکاسی پژوهشگر بر رفتار، فرایند و خروجی پژوهش دکتری خود.

این مقاله با چشم اندازی ترویجی نگاشته شده است، از اینرو فقط بخشی از یافته‌های این پژوهش ارائه می‌شوند که در ارتباط با چگونگی رصد گسست دانشی در پژوهش هستند. برای ارائه موثر این آموزه‌ها از مثالهایی در حوزه پژوهش سواد اطلاعاتی استفاده شده است. جزئیات کامل مربوط به چارچوب، پیشینه، روش و یافته‌های نهایی این پژوهش در مقاله‌ای جداگانه - با عنوان مدل پژوهش مولد و ماندگار - منتشر خواهند شد.

۲. سهم این مطالعه در بسط دانش مخاطبان

این پژوهش با هدف توانمندسازی - یا ارتقای توانایی پژوهش - پژوهشگران در طراحی پژوهشهای مولد و برددار انجام شده است و مخاطبان ویژه آن - در این نشریه - پژوهشگران و حرفه‌مندان علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستند. ضرورت نشر دستاوردهای این مطالعه از سه منظر قابل طرح است:

■ اصولاً رسالت پژوهش در کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی دانشگاهی، طرح و حل مسائلی است که بتوانند سهمی در تحقق اهداف و رسالت این مراکز داشته باشند. مثالهای استفاده شده در این متن در حوزه «سواد اطلاعاتی» هستند که یکی از موضوعهای محوری است که طرح و انجام درست آن به تحقق هدف آموزش و حمایت از پژوهش و رفتار اطلاعاتی کاربران کتابخانه های دانشگاهی کمک می کند. به عبارتی دقیق تر، سواد اطلاعاتی یکی از محورهای اصلی کار کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی دانشگاهی است.

■ داشتن توانمندی پرسشگری و پژوهش از ملزومات اساسی تحصیل و کار در حرفه اطلاع رسانی است، به ویژه در کتابخانه ها و مراکز دانشگاهی است که مخاطب عمده آنها پژوهشگران و دانشجویان هستند.

■ هدف اصلی نشریه «تحقیقات مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه های دانشگاهی» انتشار پژوهشهای انجام شده در حوزه هایی است که به نوعی در بسط دانش نظری و عملی حرفه در بافت کتابخانه های دانشگاهی سهم دارند. دانستن بیشتر درباره چیستی و چگونگی پژوهش - به طور کلی - و در رشته اطلاع رسانی - به طور مشخص - به ارتقای کیفی آثار ارسالی به این نشریه کمک می کند.

■ مخاطبان اصلی نشریه حاضر، دانشجویان و پژوهشگران حوزه اطلاع رسانی و به ویژه آنانی هستند که در حوزه کتابخانه های دانشگاهی مشغول یا علاقه مند به پژوهش و کار هستند. یکی از فعالیتهای اصلی کتابخانه های دانشگاهی تشخیص و درک پرسش های کاربر و کمک به آنها در دستیابی به اطلاعات موردنیاز آنهاست. از آنجا که کاربران اصلی کتابخانه های دانشگاهی دانشجویان و اساتید هستند و پژوهش از فعالیتهای اصلی آنها به حساب می آید، پاسخ به - یا کمک به پاسخ به - پرسشهای مطرح شده توسط آنها نیازمند داشتن توانمندی پژوهش و مهارت پرسشگری است.

این مقاله با افزودن به دانسته های خوانندگان در زمینه مفهوم گسست دانشی و چگونگی رصد آن تا حد زیادی به تحقق آنچه به عنوان ضرورت این مطالعه مطرح شد یاری می رساند. در ادامه آموزه های وعده داده شده در بخش پیشین ارائه شده اند. ابتدا شمای کلی از این آموزه ها ارائه و در بخشهای بعدی هر حوزه با جزئیات بیشتر تشریح می شود.

۳. برای رصد گسست دانشی - در یک نگاه

برای رصد دقیق گسست دانشی ای که ارزش مطالعه - و پرداخته شدن به - دارد لازم است تا ابتدا پژوهشگر بتواند درکی جامع از دانش موجود درباره موضوع موردنظر خود داشته باشد. سپس بتواند از این درک برای تحلیل پژوهشهای مرتبطی که در حوزه موردنظر وی انجام شده اند استفاده نماید و نقطه خالی یا کمرنگی را در این پژوهشها بیابد. این نقطه خالی که گسست دانشی نامیده می شود، می تواند مربوط به دانش چِستی، چرایی یا چگونگی پدیده یا موضوعی باشد که به آن **دانش موضوعی** گفته می شود. به عنوان مثال دانش موضوعی سواد اطلاعاتی در بخش صنعت مشتمل بر موارد زیر است:

- دانش چِستی: مفهوم سواد اطلاعاتی در بخش صنعت.
- دانش چرایی: چرایی نیاز به سواد اطلاعاتی در بخش صنعت.
- دانش چگونگی: چگونگی پیاده سازی، ترویج و یا آموزش سواد اطلاعاتی در بخش صنعت

این نقطه خالی یا گسست دانشی همچنین می تواند **دانش روش شناختی** باشد یعنی درباره روش ها، رویکردها و ابزارهایی باشد که برای کشف دانش موضوعی (دانش چِستی، چرایی یا چگونگی) استفاده شده اند. در مورد مثال بالا، این دانش به ترتیب زیر قابل تبیین است و امکان طرح پرسشهایی از این دست را امکان پذیر می سازد:

▪ **دانش روش شناختی چیستی** (یا چگونگی مطالعه و کشف چیستی سواد اطلاعاتی در بخش صنعت): چگونه مفهوم سواد اطلاعاتی در بافت صنعت طراحی و تبیین شده است؟ محصول فکری چه کسانی است؟ یا محصول چه مطالعاتی است؟ کمی، کیفی، ترکیبی؟ آیا براساس نظر شخصی یا تخصصی گروهی کتابدار تعریف شده است؟ یا براساس نظر کاربران اطلاعات در بافت صنعت یا صناعی مشخص مفهوم سازی شده است؟

▪ **دانش روش شناختی چرایی** (یا چگونگی مطالعه و کشف چرایی سواد اطلاعاتی در بخش صنعت): چرایی نیاز به سواد اطلاعاتی در صنعت چگونه کشف شده است؟ مطالعه ای برای کشف و تبیین آن صورت گرفته یا محصول فکری فرد یا افراد خاصی است؟ آیا براساس مطالعه مسائل و نیازهای اطلاعاتی حرفه مندان در این صنعت (یا صنعتی مشخص مانند صنعت غذا) دلیل نیاز به سواد اطلاعاتی کشف و تبیین شده است؟ یا براساس آنچه صاحبان نظر دربارۀ نیاز به سواد اطلاعاتی در صنعت گفته و نگاشته اند، نیاز به سواد اطلاعاتی در صنعت توجیه شده است؟

▪ **دانش روش شناختی چگونگی** (یا چگونگی مطالعه و کشف چگونگی سواد اطلاعاتی در بخش صنعت): از چه رویکردها، روشها یا مدلهایی برای طراحی و پیاده سازی برنامه های سواد اطلاعاتی در صنعت استفاده شده است؟ آیا از الگوهای موجود استفاده شده است؟ یا براساس ملزومات و مناسبات خاص بافت صنعت موردنظر الگوهایی برای پیاده سازی سواد اطلاعاتی طراحی شده است؟

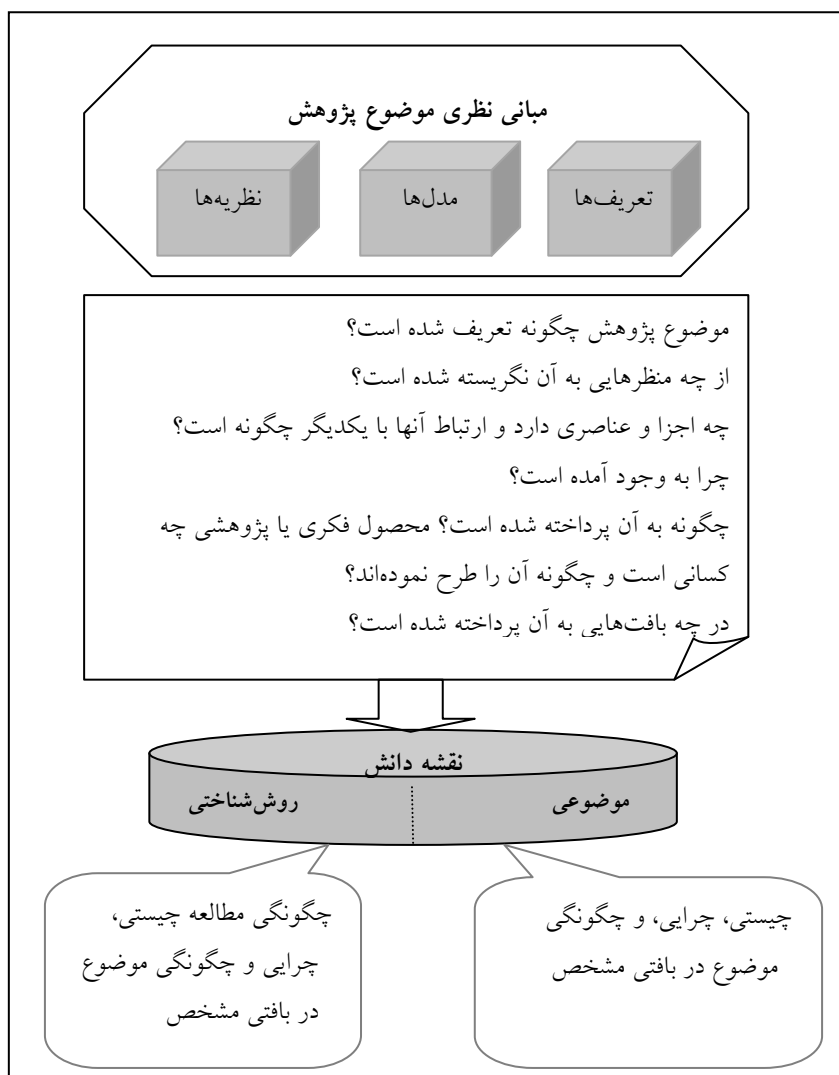
برای رصد گستردگی دانشی لازم است تا ابتدا پژوهشگر مبانی نظری موضوع خود را مطالعه نماید و «نقشه دانش» موضوعی و روش شناختی موجود دربارۀ آن را ترسیم نماید. سپس از این نقشه برای تحلیل موضوعی و روش شناختی پژوهشهای پیشین استفاده نماید و براساس آن «نقشه پژوهش» پژوهشهای مرتبط با کار خود را ترسیم نماید. مثلاً مشخص کند که:

- پژوهشهای پیشین به کدام بعد دانش سواد اطلاعاتی پرداخته اند و چه دانش جدیدی در بافت موردنظر تولید نموده اند؟ به دانش چیستی سواد اطلاعاتی در بافت صنعت افزوده اند؟ یا به دانش چرایی و چگونگی آن؟
 - پژوهشهای پیشین از چه روشها، ابزارها و رویکردهایی برای کشف دانش چیستی، چرایی، و یا چگونگی سواد اطلاعاتی استفاده کرده اند؟ این پژوهشها در چه بافت(هایی) انجام شده اند؟ (صنعت غذا، خودروسازی، ...؟)
- در ادامه نقشه دانش و نقشه پژوهش و چگونگی ترسیم آنها به تفکیک تشریح شده اند.

۳-۱. ترسیم نقشه دانش - تصویری تحلیلی از مبانی نظری موضوع

همانگونه که در شکل (۱) نشان داده شده است، نقشه دانش ترسیمی ساخت‌یافته از مبانی نظری حوزه موضوعی موردنظر است. این نقشه محصول مطالعه و دسته‌بندی دانش هسته موضوع یا بنیان‌های نظری موضوع موردنظر است که معمولا در قالب تعریف‌ها، مدل‌ها و نظریه‌ها وجود دارند. به شرط مطالعه تحلیلی منابع هسته و اصیل مرتبط با موضوع مورد مطالعه پژوهشگر می‌تواند دانش موضوعی و دانش روش شناختی موضوع موردنظر را استخراج و دسته‌بندی نماید.

برای جستجوی مبانی نظری موضوع - که منابع اصیل حوزه موردنظر هستند - رویکردی قدیم به جدید توصیه می‌شود. یعنی جستجوی خود را با تمرکز بر منابع اصیل و قدیمی حوزه شروع نماید چرا که منابع موردنیاز برای بخش مبانی نظری معمولا قدیمی‌ترین و پرستادترین منابع حوزه به حساب می‌آیند. به عنوان مثال اگر درباره چیستی سواد اطلاعاتی اول بار توسط انجمن کتابداری امریکا اطلاعاتی منتشر شده است، لازم است تا پژوهشگر به این منبع و در صورت وجود ترجمه ای از این منبع به قدیمی‌ترین ترجمه آن مراجعه کند و این منابع را مبنای تحلیل خود قرار دهد، نه منابع بعدی که به آنها استناد کرده اند.



شکل ۱. چگونگی ترسیم «نقشه دانش»

با بهره‌گیری از این رویکرد قدیم به جدید پژوهشگر می‌تواند پایه‌های نظری موضوع را کشف، سیر تکاملی آن را دنبال نماید، نقاط عطف رشد دانش حوزه را مشخص نماید و - با برخورداری از دانش روش‌شناختی مطلوب - دلیل‌افت و خیزهای دانش حوزه مورد مطالعه را

به لحاظ روش شناختی تحلیل نماید (چگونگی بسط دانش روش شناختی با هدف کسب توانمندی تحلیل روش شناختی از دایره این نوشته خارج است. در نوشته جداگانه ای به آن پرداخته خواهد شد).

۳-۱-۱. پرسشهایی برای کشف دانش موجود درباره موضوع مورد مطالعه

برای مطالعه و تحلیل خلاقانه دانش موضوع مورد مطالعه طرح پرسشهای زیر توصیه می شوند:

- ۱. موضوع پژوهش چگونه تعریف شده است؟
- ۲. از چه منظرهایی به آن نگریسته شده است؟
- ۳. چه اجزا و عناصری دارد و ارتباط آنها با یکدیگر چگونه است؟
- ۴. چرا به وجود آمده است؟
- ۵. چگونه به موضوع پرداخته شده است؟ از چه روشها، ابزارها، و رویکردهایی برای کشف چیستی، چرایی، و چگونگی موضوع استفاده شده است؟ محصول فکری یا پژوهشی چه کسانی هستند و چگونه آن را طرح نموده اند؟
- در چه بافت‌هایی به آن پرداخته شده است؟

پاسخ به چهار پرسش اول نقشه ای از دانش چیستی، چرایی و چگونگی موضوع به دست می دهد. این همان نقشه دانش موضوعی موضوع مورنظر است که امکان تحلیل موضوعی پژوهشهای پیشین را فراهم می آورد. به عنوان مثال با در دست داشتن اطلاعات دسته بندی شده ای از دانش چیستی سواد اطلاعاتی پژوهشگر درمی یابد که سواد اطلاعاتی از منظرهای مختلفی تبیین شده است که برخی از آنها عبارتند از: مجموعه ای از مهارتهای اطلاعاتی، توانمندکننده یادگیری نحوه یادگیری، تسهیل کننده و هدایت گر حل مسئله و تصمیم گیری، و شیوه آموزشی مولد. دانستن این دیدگاهها به پژوهشگر کمک می کند تا پژوهشهای انجام شده را از این منظرها تحلیل کند. یعنی مشخص کند پژوهشهای پیشین بر چه دیدگاه(هایی) تمرکز داشته اند؟ همچنین با دانستن ابعاد مختلف سواد اطلاعاتی پژوهشگر می تواند تحلیل کند که

پژوهشهای پیشین سواد اطلاعاتی بیشتر بر چه بعدی از آن تمرکز داشته اند: «توانمندی تبیین و تشخیص نیاز اطلاعاتی، توانمند جستجو و بازیابی اطلاعات، توانمندی ارزیابی اطلاعات، یا توانمندی استفاده موثر و اخلاقی اطلاعات؟»

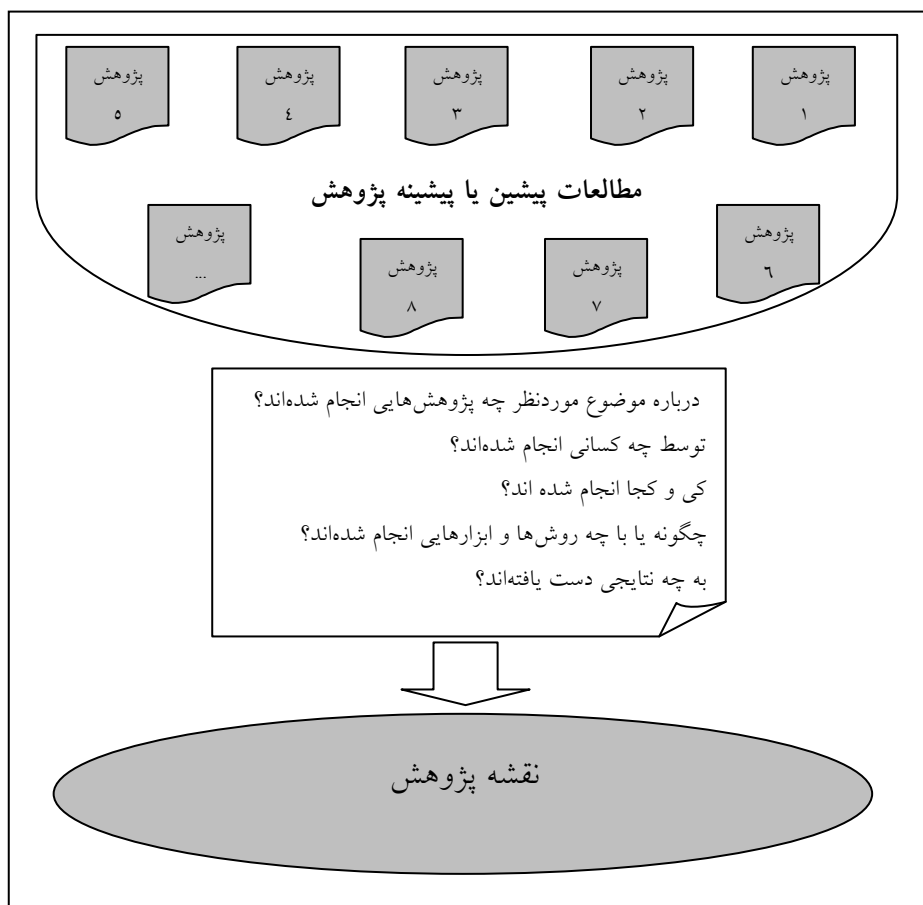
پاسخ به پرسش شماره ۵ نقشه ای از دانش روش شناختی موضوع به دست می دهد. این به پژوهشگر می گوید که دانش چیستی، چرایی و چگونگی موضوع موردنظر هر یک با تکیه بر چه روشها، ابزارها و رویکردهایی تولید و ساخته شده اند. به عنوان مثال با پاسخ به این پرسش که اصولاً مفهوم یا دانش چیستی سواد اطلاعاتی با چه روش(هایی) کشف و ارائه شده است، ممکن است به این پاسخ برسد که دانش چیستی سواد اطلاعاتی در اکثر پژوهشها محصول نظر شخصی کتابداران است نه مطالعه عمیق تجربه واقعی کاربران از اطلاعات در بافت رشته های مختلف دانشگاهی. از منظر گسست دانشی، این به پژوهشگر می گوید که برای کشف تصویری واقعی از چیستی سواد اطلاعاتی در بافت کاربران دانشگاهی رشته های مختلف - یعنی آنگونه که در واقعیت بافت رشته های مختلف تجربه می شود - لازم است تا رویکردی متفاوت و مناسب استفاده شود که امکان کشف تجربه واقعی سواد اطلاعاتی کاربران را در بافت رشته و دروس مختلف آنها امکان پذیر سازد. به عنوان مثال رویکرد و روش انتخابی باید قابلیت طرح این پرسشها را فراهم آورد:

- اصولاً نیاز اطلاعاتی واقعی کاربران در بافت رشته ای که در آن تحصیل می کنند یا در بافت پروژه(های) درسی که انجام می دهند چیست؟
 - برای رفع این نیاز اطلاعاتی به چه منابعی نیاز دارند و چگونه این منابع را به دست می آورند؟
 - برای جاییابی، ارزیابی و استفاده موثر و اخلاقی از هر یک از این منابع به چه توانمندیها و آموزه هایی نیاز دارند؟
- همانگونه که قبلاً اشاره شد توانایی رصد گسست دانشی (از نوع روش شناختی) مستلزم برخورداری از دانش روش شناختی عمومی و تخصصی است که فراتر از هدف این نوشته

است. دانش روش شناختی عمومی به پژوهشگر شیوه های مختلف پرسیدن و تولید دانش را می آموزاند و دانش روش شناختی تخصصی شیوه های مختلف پرسیدن و تولید دانش در حوزه موضوعی موردنظر را در اختیار پژوهشگر قرار می دهد. با علم به این شیوه ها و کسب توانمندی پرسشگری علمی است که اولاً؛ پژوهشگر می تواند گسست دانشی از نوع روش شناختی را رصد کند و دوماً؛ می تواند دانش موجود درباره موضوع موردپژوهش خود را از منظر روش شناختی تحلیل کند و گسست دانشی از نوع روش شناختی را رصد نماید. در صورت داشتن دانش روش شناختی عمومی و تخصصی است که پژوهشگر می تواند رویکرد یا روشی جدید یا جایگزین برای کشف دانش موضوعی پدیده موردنظر پیشنهاد دهد و پژوهشی مولد طراحی نماید.

۲-۳. ترسیم نقشه پژوهش - تصویری تحلیلی و منتقدانه از پژوهشهای پیشین

پس از مطالعه جامع و ساخت یافته مبانی نظری موضوع و ترسیم نقشه ای از دانش موجود درباره موضوع و شیوه های پژوهش بکار رفته برای مطالعه و کشف آن، پژوهشگر می تواند نقشه ای تحلیلی از پژوهشهای انجام شده در حوزه موردنظر ترسیم کند. به کمک نقشه دانش و درک جامعی که از ابعاد مختلف موضوع بدست آورده است، وی می تواند بخش پیشینه پژوهش را از شکل توصیفی صرف (شکل ۲، جدول ۱) به شکلی تحلیلی و مولد (شکل ۳) تبدیل کند.



شکل ۲. شیوه سنتی ترسیم «نقشه پژوهش»

سنتاً، رسم بر این است که پژوهشگر مبانی نظری و پیشینه پژوهش را به عنوان دو بخش مجزا و بدون ارتباط با هم ارائه می‌دهد. در بخش مبانی نظری، تعاریف و کلیات پژوهش را ارائه می‌دهد و در بخش پیشینه پژوهش سیاهه‌ای توصیفی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش را (جدول ۱). این به دلیل در دست نداشتن نقشه تحلیلی از دانش موجود درباره موضوع موردنظر است. پژوهشگر ابعاد مختلف موضوع و شیوه‌های مختلف دیدن و تحلیل کردن آن را نمی‌داند، از اینرو تنها به ارائه گزارشی توصیفی از پژوهش‌های مرتبط بسنده می‌کند بدون اینکه بتواند از منظر موضوعی یا روش شناختی کاستی یا محدودیت آنها را تحلیل

نماید. به این ترتیب یکی از ملزومات اصلی موردنیاز برای رصد دقیق و علمی گسست دانشی را از دست می دهد.

جدول ۱. نمایش توصیفی پژوهش‌های پیشین سواد اطلاعاتی در صنعت (رویکرد غیرمولد)

پدیدآور، سال نشر	عنوان پژوهش	روش پژوهش	جامعه/ بافت پژوهش	یافته‌های پژوهش
	مشخصات کتابشناختی و پژوهشی پژوهش‌های پیشین در حوزه سواد اطلاعاتی			
	مشخصات کتابشناختی و پژوهشی پژوهش‌های پیشین در حوزه سواد اطلاعاتی			
	مشخصات کتابشناختی و پژوهشی پژوهش‌های پیشین در حوزه سواد اطلاعاتی			
	مشخصات کتابشناختی و پژوهشی پژوهش‌های پیشین در حوزه سواد اطلاعاتی			

برای طراحی پژوهش‌های مولد لازم است تا پژوهشگر تصویری تحلیلی از سهم پژوهش‌های پیشین در توسعه دانش موضوعی و روش شناختی موضوع ارائه دهد. سپس با استناد به چنین تحلیلی، گسست دانشی را در بافت پژوهش‌های پیشین مشخص نماید. یعنی مشخص کند پژوهش‌های پیشین در حوزه دانش موضوعی و یا دانش روش شناختی کجا کار نکرده اند، کم کار نکرده اند، و - یا حتی - اشتباه کار کرده اند. همانگونه که در شکل (۳) نمایش داده شده، نقشه دانش، دو لنز موضوعی و روش شناختی در اختیار پژوهشگر قرار می دهد که وی به کمک آنها می تواند پژوهش‌های پیشین را از منظر موضوعی و روش شناختی تحلیل و نقد نماید و دقیقاً سهم پژوهش‌های پیشین را در ساخت دانش موضوعی و دانش روش شناختی موضوع مورد مطالعه مشخص نماید. با در دست داشتن این دو لنز، وی می تواند این پرسش‌ها را از پژوهش‌های پیشین بپرسد و پیشینه پژوهش (نقشه پژوهش) تحقیق خود را به گونه‌ای تحلیلی ترسیم و تحریر کند:

▪ پژوهش‌های پیشین روی چه بعد یا ابعادی از موضوع کار کرده‌اند؟

- پژوهش‌های پیشین از چه منظر یا دیدگاهی موضوع موردنظر را مطالعه کرده‌اند؟
- پژوهش‌های پیشین از چه روش‌ها، ابزارها و رویکردهای پژوهشی برای مطالعه موضوع موردنظر استفاده نموده‌اند؟
- پژوهش‌های پیشین بیشتر در چه بافت‌هایی اجرا شده‌اند یا بر چه بافت‌هایی تمرکز داشته‌اند؟

با استفاده از **لنز دانش موضوعی** در نقشه دانش، پژوهشگر ابعاد مختلف موضوع را از منظرهای گوناگون می‌بیند. به این ترتیب می‌تواند به گونه‌ای تحلیلی‌تر موضوع مورد مطالعه خود را تبیین و تشریح کند و با نمایش میزان درک و سواد خود از موضوع، در خود و خواننده اعتماد موردنیاز برای دنبال کردن پژوهش را ایجاد نماید. و در عین حال با دقت بیشتری حدود مرز و منحصر بودن پژوهش خود را در مقایسه با پژوهش‌های مشابه مشخص نماید، یعنی کار خود را **برندسازی** کند و چشم‌انداز، مخاطب و بازار مشخصی برای پژوهش خود تعیین کند. دقیقاً مشخص کند که در صورت اتمام پژوهش وی چه خروجی را به چه کسانی ارائه خواهد کرد، و کدام قطعه خالی یا کم‌رنگ نقشه پژوهش را پر خواهد نمود، و این چگونه به بسط عمقی و عرضی نقشه دانش حوزه مورد مطالعه سهم خواهد داشت. درباره چگونگی تعیین سهم پژوهش در بسط عمقی و عرضی نقشه دانش موضوع در نوشته‌ای جداگانه آموزه‌هایی ارائه خواهد شد.

به علاوه، نقشه دانش به پژوهشگر کمک می‌کند که از کلی‌گویی‌های تکراری درباره موضوع موردنظر - که معمولاً به دلیل ضعف در توانایی تحلیل پژوهشگر و در نتیجه گرفتار ماندن در عادت کپی‌برداری است - پافراتر گذارد و با دیدن ابعاد و رویکردهای مختلف موجود به موضوع، آنچه مدنظر یا موردعلاقه وی است را انتخاب نماید و برای پژوهش خود هویتی مشخص و منحصر به فرد تعریف کند.

با استفاده از لنز دانش موضوعی پژوهشگر می‌تواند گسست دانشی را از منظر موضوعی در نقشه پژوهش مشخص کند. در مثال سواد اطلاعاتی در صنعت، به عنوان مثال، پژوهشگر می‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

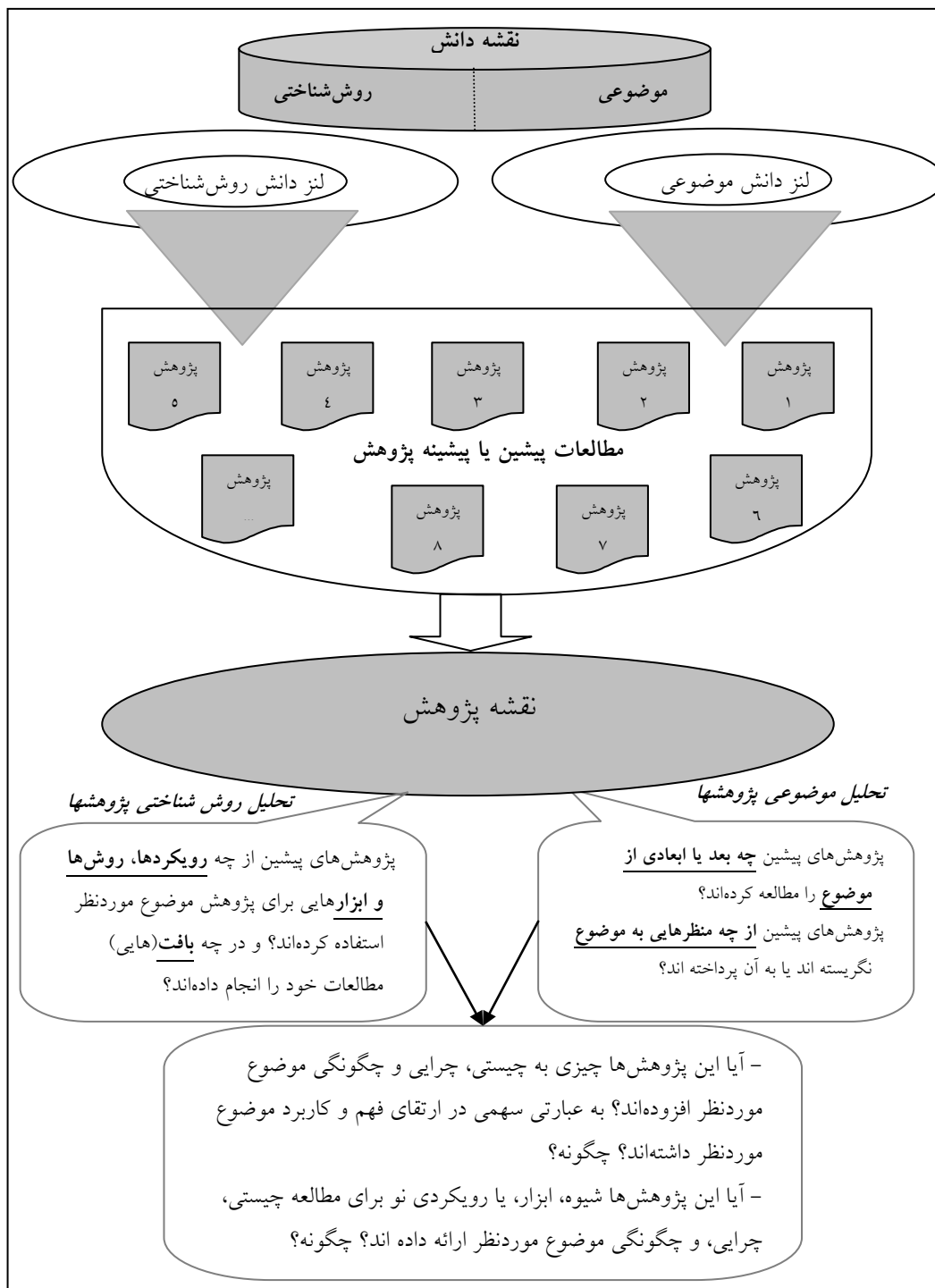
▪ پژوهش‌های پیشین به سواد اطلاعاتی در صنعت از چه منظرهایی نگریسته‌اند و به چه ابعادی از سواد اطلاعاتی پرداخته‌اند؟
با استفاده از لنز دانش روش‌شناختی، پژوهشگر می‌تواند شیوه‌های مختلفی را که پژوهش‌های پیشین برای مطالعه این موضوع استفاده کرده‌اند را شناسایی کند. مثلاً اینکه:

▪ پژوهش‌های پیشین از چه رویکردهایی برای مطالعه موضوع موردنظر استفاده کرده‌اند؟ این رویکردها بیشتر کمی بوده‌اند یا کیفی؟ استقرایی یا قیاسی؟ اکتشافی، توضیحی یا توصیفی؟ ...

▪ از چه ابزارها و روش‌هایی برای گردآوری و تحلیل داده استفاده کرده‌اند؟ پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، تحلیل محتوا؟ ...

▪ موضوع موردنظر در چه بافتی مورد مطالعه قرار گرفته است؟ بافت مدرسه؟ آموزش عالی؟ صنعت؟ بیمارستان؟ کتابخانه؟ ...

این موارد از جمله پرسش‌هایی هستند که پاسخ‌گویی علمی و مستند به آنها تنها با استفاده از لنز دانش روش‌شناختی امکان‌پذیر است. به کمک این لنز پژوهشگر می‌تواند از منظر روش‌شناختی پژوهش‌های پیشین را تحلیل کند و گسست دانشی موجود در زمینه موردنظر را در نقشه پژوهش مشخص نماید. به عنوان مثال وی ممکن است دریابد که پژوهش‌های انجام شده در حوزه سواد اطلاعاتی در صنعت بیشتر با رویکردی کمی انجام شده‌اند، داده این پژوهش‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده و به کمک فنون آماری تحلیل شده‌اند، و بالاخره بیشتر این پژوهش‌ها در بافت آموزش عالی انجام شده‌اند.



شکل ۳. استفاده از «نقشه دانش» برای ترسیم نقشه پژوهش (نقشه ای تحلیلی از پیشینه پژوهش)

با تلفیق آنچه از طریق این دو لنز پژوهشگر می بیند، وی می تواند ابعاد مختلف موضوع و دیدگاه‌ها موجود به آن را شناسایی و دسته‌بندی کند. سپس از آنها به عنوان فیلتری برای تحلیل و دسته‌بندی پژوهش‌های پیشین - از منظر موضوعی و روش‌شناختی - استفاده نماید. یعنی به جای نگارش توصیفی از پژوهش‌های پیشین (جدول ۱)، آنها را از منظر موضوعی و روش‌شناختی دسته‌بندی و تحلیل کند. به عنوان مثال پس از مطالعه مبانی نظری و ترسیم نقشه دانش موضوع مورد مطالعه، وی ممکن است دریابد که سواد اطلاعاتی از پنج منظر قابل پژوهش است: ۱) سواد اطلاعاتی به عنوان مجموعه «مهارت‌های اطلاعاتی»؛ ۲) سواد اطلاعاتی به عنوان «تفکر خلاق»؛ ۳) سواد اطلاعاتی به عنوان ایجاد کننده توانایی «یادگیری نحوه یادگیری»؛ ۴) سواد اطلاعاتی به عنوان توانایی «حل مسئله»؛ ۵) سواد اطلاعاتی به عنوان «شیوه آموزش مولد».

جدول (۲) نقش لنز دانش موضوعی و روش‌شناختی را در چگونگی تحلیل پژوهش‌های سواد اطلاعاتی که آن را به عنوان «مجموعه ای از مهارت‌ها» مورد مطالعه قرار داده اند را نشان می دهد. این جدول نشان می دهد که چگونه دانش موضوعی و روش‌شناختی به پژوهشگر کمک می کنند تا پرسش‌های منتقدانه ای از پژوهش‌های پیشین بپرسد و سهم آنها را در تولید دانش موضوعی و روش‌شناختی حوزه مورد نظر ارزیابی کند.

جدول ۲. پرسش‌هایی برای تحلیل موضوعی و روش‌شناختی پژوهش‌های پیشین:

مثال: تحلیل پژوهش‌های سواد اطلاعاتی در صنعت

دیدگاه‌های موجود به سواد اطلاعاتی	نام نویسنده، سال	پرسش‌هایی برای تحلیل محتوایی - موضوعی پژوهش‌های پیشین	پرسش‌هایی برای تحلیل محتوایی - روش‌شناختی پژوهش‌های پیشین
مجموعه‌ای از مهارت‌های اطلاعاتی	نام نویسندگان و سال نشر تمام آثار	چه مهارت‌هایی به عنوان مهارت سواد اطلاعاتی در این پژوهش (ها) معرفی شده اند؟ (چیستی)	از چه شیوه ای برای تبیین سواد اطلاعاتی به عنوان مجموعه ای از مهارت‌ها در بافت صنعت استفاده شده است؟ (چگونگی مطالعه چیستی)

پرسشهایی برای تحلیل محتوایی - روش شناختی پژوهشهای پیشین	پرسشهایی برای تحلیل محتوایی - موضوعی پژوهشهای پیشین	نام نویسنده، سال	دیدگاه‌های موجود به سواد اطلاعاتی
<p>- براساس بررسی نیازهای واقعی کاربران در بافت فعالیتهای آنها در بخش صنعت؟</p> <p>- استفاده از الگوی نظری یا مدلی مرتبط که سواد اطلاعاتی را در محیط کار تبیین کرده است؟</p> <p>- از الگویی نه چندان مرتبط با بخش صنعت یا محیط کار؟</p> <p>با چه شیوه ای و با استناد به چه شواهدی چرایی نیاز به مهارتهای سواد اطلاعاتی را تبیین کرده است؟</p> <p>(چگونگی مطالعه چرایی)</p> <p>- براساس شواهد به دست آمده از مطالعه ماهیت مسائل، فعالیتها و آرمانهای بخش صنعت؟</p> <p>- با استناد به شواهد کلی و غیرمرتبط با بافت صنعت؟</p> <p>برای آموزش مهارتهای سواد اطلاعاتی از چه الگویی استفاده کرده است؟</p> <p>(چگونگی مطالعه چگونگی)</p> <p>- ساخت الگویی متناسب با نیاز بافت صنعت موردنظر؟</p> <p>- استفاده از الگوهای آموزش سواد اطلاعاتی مرتبط با صنعت و محیط کار؟</p> <p>- بازنگری الگوهای مرتبط موجود</p>	<p>نیاز به این مهارتها در بافت این پژوهش(ها) چگونه تبیین شده است؟ (چرایی)</p> <p>برای پیاده سازی، آموزش یا ارائه برنامه های سواد اطلاعاتی چه راهکارهایی ارائه شده اند؟ (چگونگی)</p>	<p>مرتبط با این تم موضوعی</p>	

دیدگاه‌های موجود به سواد اطلاعاتی	نام نویسنده، سال	پرسشهایی برای تحلیل محتوایی - موضوعی پژوهشهای پیشین	پرسشهایی برای تحلیل روش شناختی پژوهشهای پیشین -
			و بازطراحی آنها متناسب با نیاز بافت صنعت؟ - استفاده از الگوی آموزش سواد اطلاعاتی غیرمرتبط با ملزومات و نیازهای بافت صنعت؟

براساس چنین تحلیل متقدانه ای پژوهشگر می تواند به دقت گسست دانشی موجود و حد و مرز آن را مشخص نماید. به عنوان مثال ممکن است بر پایه چنین تحلیلی پژوهشگر دریابد که بیشتر پژوهشهای سواد اطلاعاتی که به سواد اطلاعاتی در بافت صنعت به عنوان «مجموعه ای از مهارتها» نگریسته اند، بر چستی مهارت «جستجو و بازیابی اطلاعات» تمرکز داشته اند و نه توانمندیهای «تشخیص و تبیین نیاز اطلاعاتی» یا مهارت «ارزیابی اطلاعات». همچنین به لحاظ روش شناختی ممکن است دریابد که پژوهشهای پیشین این دانش چستی سواد اطلاعاتی را به کمک روشهای کمی - و نه کیفی - تولید کرده اند و نه بررسی تجربه واقعی کاربران اطلاعات در بافت نقشها و فعالیتهای کاری آنها در بخش صنعت.

براساس این شیوه مطالعه تحلیل گرایانه، پژوهشگر می تواند جدولی تحلیلی - مانند جدول ۳ - از پژوهشهای انجام شده در حوزه موضوعی مورد مطالعه خود را تهیه کند. این شیوه به ویژه برای زمانی که پژوهشگر در ابتدای راه پژوهش است و همچنان از حوزه دقیق کار خود مطمئن نیست پیشنهاد می شود. چرا که تصویری دقیق و تحلیلی از سطح و عمق پژوهشهای انجام شده در حوزه مدنظر در اختیار وی قرار می دهد. برای بهره برداری موثر از این شیوه دسته بندی پژوهشها، داشتن فایلی جامع از اطلاعات کامل کتابشناختی پژوهشهای سیاهه شده در هر ستون الزامی است تا در مرحله نگارش پیشینه پژوهش و نهایی سازی گزارش خود وی

بتواند اطلاعات کامل کتابشناختی منابع ارجاع شده در جدول را در بخش «منابع و مأخذ» گزارش خود درج نماید.

جدول ۳. نمایش تحلیلی از پژوهش‌های سواد اطلاعاتی در بافت صنعت

ابعاد موضوع یا دیدگاه‌های موجود به آن	نویسنده، سال نشر تمام پژوهش‌های مرتبط در یک تم موضوعی	جمع بندی از دریافتهای محقق درباره دانش موضوعی که پژوهشها تولید کرده اند	جمع بندی از دریافتهای محقق درباره دانش روش شناختی که پژوهشها تولید کرده اند
مجموعه‌ای از مهارت‌های اطلاعاتی	Johnson, 2000; Bill, 2010; Ford, 2005 بادامی، ۱۳۸۸، گردویی، ۱۳۹۰، جوان، ۱۳۸۷	چیستی: بیشتر بر مهارت جستجو و بازیابی اطلاعات تمرکز شده است چرایی: برای رفع نیازهای اطلاعاتی زیر نیاز به این مهارت تبیین شده است: - کسب اطلاعات روز درباره قیمت کالاها - کسب اطلاعات درباره رقبا و فعالیتهای آنها - کسب اطلاعات درباره شیوه‌های بازاریابی - به روز ماندن در حوزه تخصصی چگونگی: براساس الگوهای عام سواد اطلاعاتی - و نه الگوهای متناسب با نیازهای اطلاعاتی بخش صنعت - کارگاههای آموزشی یک یا دو روزه برای آموزش	شیوه کشف چیستی: مهارت جستجو و بازیابی براساس مدل‌های موجود تعریف شده اند و مفهوم سازی یا مدل سازی جدیدی از این مهارت در بافت صنعت موردنظر صورت نپذیرفته است. شیوه کشف چرایی: برای کشف چرایی نیاز به این مهارت از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. پرسشهای پرسشنامه و مصاحبه نیز برگرفته از مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش توسط پژوهشگر است. کشف چگونگی: برای آموزش این مهارتها از الگوهای از پیش ساخته

جمع بندی از دریافتهای محقق درباره دانش روش شناختی که پژوهشها تولید کرده اند	جمع بندی از دریافتهای محقق درباره دانش موضوعی که پژوهشها تولید کرده اند	نویسنده، سال نشر تمام پژوهشهای مرتبط در یک تم موضوعی	ابعاد موضوع یا دیدگاههای موجود به آن
مانند مدل اسکال استفاده شده است.	جستجو و بازیابی اطلاعات طراحی و ارائه شده است		
		توانایی حل مسئله
		تفکر خلاق
		یادگیری نحوه یادگیری
		شیوه آموزشی مولد

در مجموع این شیوه مطالعه امکان طرح پرسشهای زیر را فراهم می آورد که پاسخگویی به آنها امکان تشریح علمی و دقیق گسست دانشی در پژوهش موردنظر را در اختیار پژوهشگر قرار می دهند (شکل ۳):

- آیا پژوهشهای پیشین چیزی به چستی، چرایی و چگونگی موضوع موردنظر افزوده اند؟ به عبارتی سهمی در ارتقای فهم و کاربرد موضوع در بافت موردنظر داشته اند؟ چگونه؟
- آیا این پژوهشها شیوه، ابزار یا رویکردی نو برای مطالعه چستی، چرایی، و چگونگی موضوع موردنظر ارائه داده اند؟ چگونه؟

برای دسته بندی و نمایش تحلیلی - کتابشناختی پژوهشهای پیشین الگوی ارائه شده در جدول (۴) توصیه می شود. این جدول توزیع پرداخته شدن به موضوع را نشان می دهد. نشان می دهد بیشتر پژوهشها به چه بعد یا ابعادی از سواد اطلاعاتی پرداخته اند.

جدول ۴. الگوی برای نمایش تحلیلی - کتابشناختی پژوهشهای پیشین

ابعاد موضوع یا دیدگاههای موجود به آن	نویسنده، سال نشر	عنوان پژوهش	روش و ابزار پژوهش	بافت / جامعه پژوهش
مجموعه‌ای از مهارت‌های اطلاعاتی				
توانایی حل مسئله				
تفکر خلاق				
یادگیری نحوه یادگیری				

به لحاظ رفتار اطلاع‌یابی، بر خلاف مبانی نظری موضوع که گردآوری آن رویکردی قدیم به جدید را طلب می‌کرد، مطالعه و گردآوری پیشینه پژوهش مستلزم رویکردی جدید به قدیم است؛ چرا که یکی از اهداف اصلی بخش پیشینه پژوهش این است که به پژوهشگر نشان دهد در حوزه موضوعی موردنظر وی چه پژوهش‌هایی «قبلا» و «تاکنون» انجام شده‌اند. از اینرو

جامعیت جستجو و به روز بودن یافته‌ها در این بخش از مهمترین مواردی هستند که باید مدنظر قرار گیرند. با مطالعه پژوهش‌های جدیدتر امکان ردیابی سریع‌تر و جامع‌تر پژوهش‌های قدیمی‌تر فراهم می‌شود. پژوهشگر با مراجعه به بخش «منابع و ماخذ» پژوهش‌های جدیدتر می‌تواند پژوهش‌های هم‌موضوع قدیمی‌تر را ردیابی کند و با صرف زمان کمتر به مجموعه‌ای جامع از پژوهش‌ها در حوزه موردنظر دست یابد.

۴. سخن پایانی

برای تبیین گسست دانشی لازم است تا ابتدا این گسست شناسایی شود. برای شناسایی این گسست لازم است تا پژوهشگر دانش خود را در دو حوزه موضوعی و روش‌شناختی - با مطالعه دقیق مبانی نظری موضوع و مبانی پژوهیدن یا فراگیری دانش روش‌شناختی^۱ - بسط دهد و نقشه دانش (موضوعی و روش‌شناختی) حوزه موردنظر را ترسیم کند و بتواند از این دو منظر پژوهش‌های انجام شده در حوزه موردنظر را تحلیل کند و نقاط خالی یا کمرنگ در نقشه پژوهش حوزه موردنظر را دقیقاً مشخص نماید. یعنی نقشه دانش موضوع موردنظر را طراحی کند، سپس با این نقشه پژوهش‌های انجام شده در حوزه موردنظر را مطالعه و تحلیل نماید و مشخص کند در چه حوزه موضوعی کمتر پژوهش شده است و از چه رویکردها، روشها و ابزارهایی در پژوهشهای پیشین کمتر استفاده شده است.

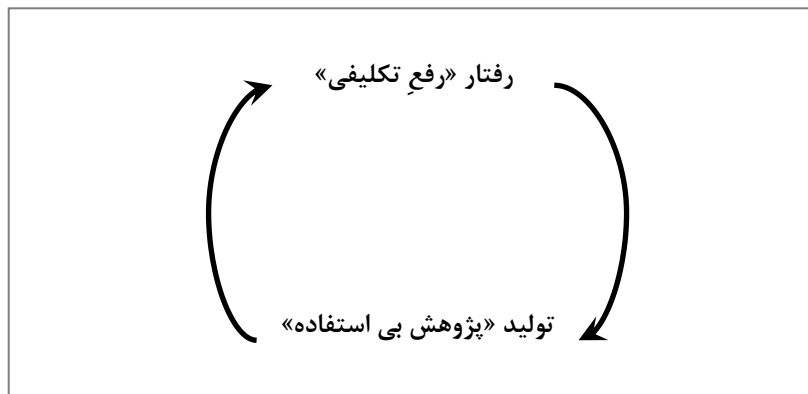
درک جامع و دقیق پژوهشگر از مبانی نظری موضوع به وی دیدی تحلیل‌گرانه‌ای می‌دهد که به کمک آن می‌تواند فراتر از کلیات را ببیند. موضوع را از منظرهای مختلف تحلیل کند و درباره گستره و ژرفای پرداخته شدن به آن - توسط دیگر پژوهشگران - صاحب‌نظرانه بگوید و بنویسد.

^۱ مبانی پژوهیدن پایه‌های اصلی موردنیاز برای توسعه دانش روش‌شناختی را در پژوهشگر ایجاد می‌نماید. همانگونه که قبلاً اشاره شد، پرداختن به این موضوع مستلزم نوشتار مجزایی است که به یاری خدا بعداً به آن پرداخته خواهد شد.

با چنین پشتوانه ای، پژوهشگر می‌تواند تازگی را در حوزه های به ظاهر از دور خارج شده بیابد. وی احتمالا در می‌یابد که اصولا پژوهشی که در حوزه های به اصطلاح «اشباع شده» و «تاریخ گذشته» اصولا پژوهشی صورت نگرفته است که دانش موضوعی یا روش شناختی تولید کرده باشد، بلکه تقریبا تمام پژوهشها دانش غیربومی را در بافت بومی آزمون (اغلب بازتایید) کرده اند. این شاهدمثالی است که احتمالا در صورت تحلیل دانش موضوعی پژوهشهای انجام شده در حوزه سواد اطلاعاتی به آن خواهیم رسید:

- سواد اطلاعاتی در آموزش عالی ایران چیست؟ همان مفهومی را دارد که در بافت آموزش عالی امریکا تعریف شده است.
- به سواد اطلاعاتی در آموزش عالی ایران نیاز است؟ بله.
- چرا نیاز است؟ به همان دلیلی که در آموزش عالی امریکا نیاز است.
- چگونه باید آن را آموزش داد؟ با همان مدل‌هایی که در امریکا و کشورهای غربی درست شده اند مانند ACRL, SCONUL, Big6 و غیره.

احتمالا الگوهای مشابهی در حوزه دیگر پژوهشها به دست خواهد آمد که - از منظر این نوشته - گویای ضعف در درک موضوعی و روش شناختی پژوهشگران و هادیان پژوهش است. ثمره آن پدیده «اشباع زدگی کاذب» در پژوهش است. اشباع زدگی ای که پژوهشگران را در تب و تاب رصد موضوعهای لوکس وارداتی گرفتار آورده است. موضوعهایی که امکان دفاع آسان تر و توجیه راحت تر تازگی یا «بکری» در پژوهش را فراهم می‌آورند و آنها را از بند نقد شدن درباره اینکه «این موضوع قبلا کار شده!» نجات می‌دهد. این همان لوپ رفتار «رفع تکلیفی» - تولید «پژوهش بی استفاده» است (شکل ۴) که تنها شانس خروج از آن ایجاد توانمندی «خوب پرسیدن» و «خلاقانه اندیشیدن» در پژوهشگران است.



شکل ۴. لوپ رفتار «رفع تکلیفی» - «پژوهش بی استفاده»

در مجموع نقشه دانش چراغی پیش پای پژوهشگر قرار می‌دهد که به کمک آن می‌تواند مطالعه پیشینه پژوهش را به گونه‌ای منتقدانه و ساخت یافته خود را هدایت کند و نقشه تحلیلی جامع و جذابی از پژوهش‌های پیشین در حوزه موضوعی موردنظر خود ارائه دهد و بر روی این نقشه، گسست دانشی مدنظر پژوهش خود را دقیقاً ترسیم نماید. براین اساس وی می‌تواند گستره و ژرفای دانشی که بناست پژوهش وی تولید کند را به گونه‌ای علمی و مستند مشخص نماید، یعنی سهم پژوهش خود را در تولید دانش موضوعی و یا روش شناختی موضوع مورد مطالعه تعیین کند. این یعنی می‌توانیم شاهد تولید پژوهش‌هایی باشیم که دانش، دیدگاه یا راهکاری نو در بافت بومی کشور تولید می‌کنند؛ یعنی پژوهش‌های مولد و - در صورت اثبات ضرورت و کاربردی بودن آنها در بافت پژوهش - ماندگارند.

امید که این اثر توانسته باشد در جهت مولدسازی پژوهش و لذت بخش کردن سفر پژوهش قدمی کوچک برداشته باشد. با توجه به ماهیت استقرایی - اکتشافی این مطالعه سپاسگزار می‌شوم اگر خوانندگان عزیز بازخوردهای خود را درباره این نوشته و پیشنهادهای خود را برای بهبود آن به نشانی maryamnazari76@gmail.com ارسال بفرمایند. پیشاپیش از وقت و نظر ارزشمند شما سپاسگزارم.

۵. سپاسگزاری

کریستال سازی ایده پژوهش مولد و ماندگار مرهون بازخوردهای دست و دل‌بازانه پژوهشگران بسیاری است از همه این دوستان صمیمانه سپاسگزارم. نهایی سازی نگارش این مقاله نیز مرهون بازخوردهای ارزنده دوستان و دانشجویان عزیزم: خانمها سپیده فهیمی فر، شادی مشتاق، حمیده اسدی، مهسا گنجی، و آقایان مهندس عمار جلالی منش و دکتر یزدان منصوریان است. از همه این دوستان صمیمانه سپاسگزارم. ویرایش اولیه این اثر با دیدگاه‌های ارزشمند جناب آقای دکتر سیروس علیدوستی ارتقا یافت. از مطالعه دقیق و موشکافانه ایشان بی‌نهایت سپاسگزارم.

۶. منابع

- بدیعی، خشایار (۱۳۹۲). صنعت کشور در مرحله کپی برداری از منابع خارجی است، خبرگزاری کتاب ایران. نشانی برخط: <http://www.ibna.ir/vdcjyhev8uqeatz.fsfu.html>
- بلیکی، ن. (۱۳۹۱). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه ح. چاوشیان. تهران: نشر نی.
- حری، عباس (۱۳۹۱). اخلاق پژوهش و نگارش. سی و چهارمین سخنرانی علمی پژوهشگاه علوم اطلاعات و فناوری ایران. ۶ دی.
- خسروی، فریبرز (۱۳۹۰). گلگی از بی کیفیت بودن پژوهش‌های کتابداری: پژوهش‌های هراسی. عطف. ۱۵ بهمن. نشانی برخط: <http://www2.atfmag.info/1390/11/15/research-phobi/>
- خنیفر، حسین. [۱۳۸۲]. پژوهش روش‌مند: کاستی‌ها و موانع. منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. نشانی برخط: <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4473/4476/34464>
- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۷). رواج مسئله سازی و افول مسئله یابی در تحقیقات کتابداری. کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۴۱: ۱-۳.
- زیباکلام، سعید (۱۳۸۷). علوم انسانی - اجتماعی را شوخی گرفتیم. فارابی (دو ماهنامه‌ی داخلی جشنواره بین‌المللی فارابی)، ش ۳. قابل دسترس در: <http://saeidzibakalam.ir/archives/219>
- طلایی، ابراهیم (۱۳۹۰). ویلاگ روش‌شناسی پژوهش تربیتی. قابل دسترس در: <http://www.erm2011.blogfa.com>

فدایی، غلامرضا (۱۳۸۵). اولویت‌گذاری در تحقیقات کاری آسان و مشکل. در مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی روش‌های تحقیق در علوم، فنون و مهندسی. صص. ۸۵-۹۴

لطف آبادی، حسین (۱۳۹۲). بررسی آموزش موثر روش تحقیق در علوم انسانی، نیاز به نگرشی نو. ارائه شده در نشست فروردین ماه گروه روش شناسی پژوهش تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۸). صد ویژگی یک مقاله علمی خوب. کتاب ماه کلیات، دوره ۱۳، ش ۱. ص ۷۷.

مصدق، احمد (۱۳۹۲). با عشق می نویسم، خبرگزاری کتاب ایران. نشانی برخط: <http://www.ibna.ir/vdcgz79qtak9uy4.rpra.html>

نظری، مریم (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر چپستی، چرایی و چگونگی پژوهش مولد و ماندگار در علوم اطلاعات. اولین سخنرانی علمی انجمن علمی مدیریت اطلاعات ایران. ارائه شده در پژوهشگاه علوم اطلاعات و فناوری ایران. اول آذر.

نظری، مریم (۱۳۹۱ الف). آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی تحقیق و توسعه. ارائه شده در اولین اجلاس مدیران تحقیق، توسعه و فناوری کشور. ۲۸ و ۲۹ بهمن، هتل المپیک تهران.

محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). اثبات اصالت در پژوهش، پایگاه تحلیلی خبری لیزنا سخن هفته ۸۶.

منصوریان، یزدان (الف ۱۳۹۰). اهمیت خلاقیت در انتخاب موضوع پژوهش. پایگاه تحلیلی خبری لیزنا. سخن هفته شماره ۲۸.

منصوریان، یزدان (الف ۱۳۸۹). مرز انسجام و انعطاف در پژوهش. پایگاه تحلیلی خبری لیزنا. سخن هفته شماره ۱۶.

منصوریان، یزدان (ب ۱۳۸۹). به نوآوری و خلاقیت در زمینه انتخاب موضوع پایان نامه‌ها بیشتر بها داده شود، مصاحبه با پایگاه خبری لیزنا، ۲ مرداد.

منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). تفاوت «تحدید» با «تهدید» در تحقیق: مرز محدوده و محدودیت در پژوهش. عطف. ۱۶ مهر.

References

- Blaxter, L., Hughes, C., and Malcolm, T. (2001) How to Research. Buckingham: Open University Press. Available at: <http://mcgraw-hill.co.uk/openup/chapters/0335209033.pdf>

- Cryer, Pat (2006) How to Recognize and Develop Originality in Research, in: The Research Student's Guide to Success. Buckingham: Open University Press, available at: <http://www.postgradresources.info/student-resources08-originality.htm>
- Educational Development @ Liverpool, available (2013) Originality in Doctoral Research: What is it exactly, available at: <http://educationaldevelopment.liverpool.ac.uk/2013/03/26/originality-in-doctoral-research-what-is-it-exactly/>
- Loseke, Donileen R. (2013). Methodological Thinking: Basic Principles of Social Research Design, London: Sage.
- Research (2013) Wikipedia, available at: <http://en.wikipedia.org/wiki/Research>

How knowledge gap is captured in generative research? – a proposal for developing two maps: knowledge map and research map

Maryam Nazari, PhD (maryamnazari@ut.ac.ir)

Senior lecturer, Faculty of Library and Information Science, University of Tehran

Aim: The article presents practical hints for generative reading and writing in the design phase of research.

Method: Elaborating on the findings of a longitude exploratory research, started in March 2004, this study presents some practical hints to enable researchers to opt the “knowledge gap” in their research projects. Information literacy research as is used as an example to explain the hints.

Findings: to spot and define knowledge gap in research, development of two maps are proposed: knowledge map and research map. The first is developed based on the analytical readings of the underpinnings of the subject (concepts, theories, models). It provides the researcher with subject and methodological lenses of the subject under study. This is then used to analytically review the literature from subject and methodological views. By overlaying these two maps the “knowledge gap” in the study can be captured.

Implications: it offers an alternative approach for analytical reading and writing of the literature in research projects. It can be of value to all

researchers, research managers and journal editors, who are keen to design, produce or publish generative research.

Keywords: Generative research, high impact research, knowledge gap, problem statement, knowledge map, research map